

۲۱۰ _ ای گل‌های گلشن محبت الله و ای سراج‌های روشن انجمن معرفت الله علیکم
نفحات الله و اشراق آفاق قلوبکم ببهاء الله شما امواج بحر عرفانید و افواج میدان ایقان
نجوم فلک رحمتید و رجوم بر اهل ضلالت حدائق وجود را سحائب رحمتید و
حقائق موجود را فیوضات احدیت در لوح منشور امکان آیات توحیدید و بر صرح
مشید رایات رب مجید در گلزار الهی گل و ریحانید و در گلستان معنوی بلبلان
نالان طیور اوج عرفانید و شاهباز ساعد حضرت رحمان پس چرا مخمود و
خواموشید و افسرده و مدهوش چون برق بدرخشید و چون بحر بخروشید و چون
شمع بر افروزید و چون نسائم الهی بوزید و چون نفحات مشک جان و فوائح
ریاض رحمن مشام اهل عرفانرا معطر نمائید و چون انوار ساطعه از آفتاب حقیقی
قلوب اهل عالم را منور کنید نسیم حیاتید و شمیم عرار حدیقه نجات مردگانرا جان
بخشید و خفتگانرا هوشیار و بیدار کنید در ظلمت امکان شعله نورانی باشید و در
بادیه گمراهی چشمه حیات و هدایت ربانی وقت همت و خدمت است و زمان شعله
و حرارت تا زمان از دست نرفته است این فرصت را غنیمت شمردید و این وسعت
را اعظم نعمت عنقریب این چند روزه عمر فانی بسر آید و با دست تهی بحفره
خواموشی در آئیم پس باید دل بجمال مبین بندیم و تمسک بحبل متین جوئیم و کمر
خدمت بر بندیم و آتشی از عشق بر افروزیم و از حرارت محبت الله بسوزیم و زبان
بگشائیم و آتش بقلب امکان زنیم و جنود ظلمت را بانوار هدایت معدوم کنیم و در
میدان جانفشانی در سبیل الله جانفشانی کنیم و گنج آستین معرفت الله را بر سر اهل
عالم بیفشانیم و با سیف قاطع لسان و سهام نافذ عرفان جنود نفس و هوا را شکست
دهیم و بمشهد فدا بدویم و بقربانگاه حق بشتابیم و با طبل و علم آهنگ ملأ اعلی و
ملکوت ابهی نمائیم فطوبی للعاملین *